

پنج سوال و پنج اندرز

گردانی که هستی؟

به عزیز خواننده این طور:

اگر احساس رقیق و طب نازک داری و زود رنج هستی لین طور را نخوانده گیر!

اگر مهربان و صمیمی هستی از پنم مطلب را بخوان و نیکتر از پیش بینی!

اگر تیزبین و زود دگر هستی - خوب میدانی که... و به دیگران نمونه باشی که هستی!

اگر نامهربان و قوی قلب هستی - این طور را بخوان و اگر خواستی که بخوانی حتماً دقیق بخوان و روی آن تأمل کن

و این را نیک بدان که چقدر با دنیای حقیقی دیگران فاصله داری!

خواندن اینم طور خطر آرام و مغز سرد را خواهد، ورنه وقت اضافی من و توبه هدر رفته است!

برای هر خطی که شده فخر و خیالات پریشان را (اگر پریشان است!) جمع کن و آنچه را که میدانی باور دار

لا اقل یک بار دیگر بهم تکرار کنیم و آرزوها و نیک اندیشی هاست ما را در فضای سکران رها سازیم.

اگر خیال میکنی که چیز جمل مان نمیشود... به این هم باور کن که جز چند خطه وقت اضافی که داریم

چیز دیگری هم از دست نمیدهیم!

یقیناً که حالت لطیف مان از چند خطه قبل تغییر میکند!

باور ندارید؟

امتحان کنید و خواهید دید که باشما و حسرت شما چه میشود!

قول من و شما در خواندن اینم طور فکر آرام و مغز سرد و آنخم دور از همه دغدغه ها است!

آیا هرگز اندیشیده اید که کی هستید و از کج آمده اید و بکج می روید؟

به اطراف خود نگاه کنید!

نگاه کنید!

خوب نگاه کنید!

چه می بینید؟

انسان؟

حیوان؟

اشیاء؟

... چه قرابتی نسبت به شما دارند؟

ارتباط خوبی دارند؟

گفته شده اند ...؟

خریده شده اند؟

از جایی پیدا کرده اید؟

تکفّر رسیده است؟

دیدن آنها چه احساسی در شما برمی انگیزد؟

احساس خوشی؟

احساس تنفر ؟

حالت بیتفاوتی ؟

خارج ازین سازه چه ؟

آیا فکر کرده اید که چه چیز شما را رنج میدهد ؟

دیدن چیزی ؟

شنیدن چیزی ؟

جامعه ؟

انسانها و جامعه ؟

طبیعت ؟

آیا فکر میکنید که از جمله خوشبخت‌های اینم که روحاکی نیستید ؟

از موجودیت فزنیکی خود ناراضی اید ؟

زشتی یا زیبایی صورت رنج تان میدهد ؟

از قد و یا اندام تان شکایت دارید ؟

تخی دستی و یا ثروت اندوزی آزار تان میدهد ؟

مریضی جسمی یا رنج روزگار مسخر تانرا میساید ؟

یا اینکه همه چیز طبق مراد است و تشویش روانی می آزارد دست ؟

اصل خط و سیر روزگار شما در چه مسیر در حرکت است ؟

زندگی برابر شما چه معنی دارد ؟

ارزش زندگی را در چه می‌بینید؟

صرف در حریم خانواده؟

لذت‌ن ثروت و داشتن مایات؟

یا همیشه در کنار دوستان بودن و فراموش کردن نزدیکیان؟

آیا در حریم خانواده چنان گرفتارید که دوستان، جامعه، وطن... برایتان بیگانه شده است؟

یا آنقدر دوستان... شما را مشغول کرده که با فامیل و حریم خانواده بیگانه شده‌اید؟

از خانواده گریزانید؟

کلمات افسراط و تفسیرط برابر شما چه معانی را می‌رساند؟

در حریم خانواده به حرف‌ها و رفتار شما کسی گوش نمی‌دهد؟

شما چقدر به حرف‌ها و رفتار آن‌ها گوش داده‌اید؟

شما نسبت به آن‌ها چه کار کرده‌اید؟

چقدر ادای مسئولیت کرده‌اید؟

توانسته‌اید؟

یا نتوانسته‌اید...؟

فکر می‌کنید دیر شده است؟

صداقتانه بگویید که فرهنگ مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی چه معانی را برایستان می‌رساند؟

چقدر به این ارزش‌ها پابند بوده‌اید؟

با هر اینخس فرزند کند چو گفسته اند که مهر (بچاره) را هر وقت از آب بگیرد (میبرد) تازه است !

میدانم که همکلمات و جملات را میدانیتید و نگاه بودید !

ولی صرفاً بهم یک جمع بند کردیم و نگاه تر شدیم .

پس بیایید که بهم اینم طور کسربار دیگر را نیز تکرار کنیم !

حرف صرف میان منم و شما باشد !

اگر خواستید میتوانید چند بار اینم طور را تکرار کنید و آنهم تهی تھی !

چون احسار رقت شما و تمام نیروی باطنی شما همچون یک قوه ذخیره نیرومند همراه شماست !

پس اینک :

نیک بدانید که خواستن توانستن است !

همیشه صادق و راستکار باشید !

عدالت خواهی را شعار خود قرار دهید !

مسئولیت پذیر و وظیفه شناس باشید !

در تقسیم حایتان تاخیر نیندازید !

پیشرو و خدمتگذار باشید !

دوستانی را که شخصیت ضعیف دارند کنار بگذارید !

در مقابل خواسته های نامعقول قاطعانه بایستید !

اعتماد دیگران را نسبت به خود به معامله نگذارید !

از گفتن تبریک و یا تسلیت به دیگران شرم نکنید !

در دفع از مظلومان قطع باشید!

از حقایق هرگز چشم پوشی نکنید!

به دیگران نیز نصیحت کنید که کشتار و ویرانی وطن را فراموش نکنید!

بحر مرام والای انسانیت در یک‌ه‌یکه به یک دقیقه بحر -

یک‌نیم می‌یون قربانی وطن فکر کنید!

صدها هزار مادر فرزند کشته شده وطن را فراموش نکنید!

صدها هزار یتیم بی‌گناه و یتیم‌ی پنهان را بحر داشته باشید!

لااقل ماه یکبار یک دقیقه خاطره هزاران تجاوز به غمت زنان وطن را بیدار کنید!

در افشاء جنایات ضد بشری اغماض نکنید!

بداندیشان و جنایت‌کاران را افشاء کنید!

بین وطن پرستان واقعی و وطن فروشان خط فاصل بکشید!

در محاکمه کشیدن جنایتکاران سید دل دین وطن را ادراک کنید!

از شکست هرگز نه‌هراسید!

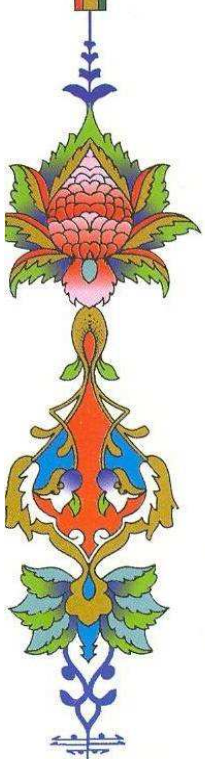
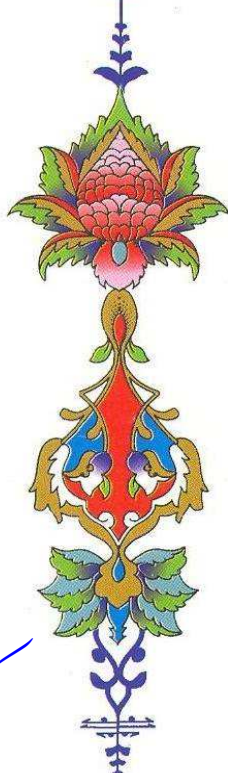
همیشه تبسم بر لب داشته باشید!

خود را به دیگران وابسته نایید!

گمک به دیگران را سه‌مشق قرار دهید!

از گمک دیگران قدر دانی کنید!

درباره اعتماد به نفس عیفت فکر کنید!
نظرات دیگران را با خونسردی بشنوید!
فرهنگ گفتن را به عادت خود تبدیل کنید!
به دیگران نهایت احترام را بگذارید!
بر عهد و قول خویش وفادار باشید!
بازیچه دست دیگران نشوید!
نفسه خود را صریحاً اعلان کنید!
در چشم‌های مخاطبان به گرمی نگاه کنید!
کم حرف و زیاده‌شنو باشید!
سخن‌اتمسند و محسبان باشید!
به دیگران عشق بورزید!
ادب را در کلام رعایت کنید!
خدمت به مردم را فراموش نکنید!
همیش از ستم دیده‌گان ناتوان دفاع کنید!
هرگز ستم بر مردم روا مدارید!
در حوادث و مشکلات روزگار پایدار باشید!
باج‌هسلان‌جو بحث نکنید!
در جواب دادن عجله نکنید!



از مریضان عبادت کنید!

احساسات خود را صرف در جایشان ابراز کنید!

فخر و فخر و ثمن را مردود بدانید!

از کبر و بخل دور کنید!

از خشم پرهیز کنید!

و دهم احوال شکر گزار باشید!

حالا چه!

آیا هنوز هم آسمان زندگیست را ابر بر سر میکنی؟

آیا تعمیر را بر سر کرده دریا خیر؟

از کدالین جمله ناخوشا و نا تراش ازیت کننده بالا مستفید؟

پس در اخیر این راهم نیک بدان و برابر همیشه به خطرت بپار که:

در ارتفاع خصلی از زمین دیگر ابر بر وجود ندارد!

اگر آسمان زندگیست هنوز هم ابر بر سر است به این دلیل است که

... روح به اندازه کافی اوج نگرفته است!

لینم بود که در کلمات نیک و کلمه بار که سزاوار نیکان است!

دیگر خود دانی و از من و سلام

دعا گوهرتان شیر زاد